

از: آرمان

قیام پیروزی سی ام تیرماه، نشان از وحدت و اقتدار ملت ایران "هوشنگ رضیان، شهید پان ایرانیست این قیام"

پاینده ایران

نیم قرن پیش از این، بدنبال برپایی و پیروزی نهضت ضد استعماری "ملی شدن نفت در ایران" در کشاکش تیرماه و بار دیگر توطئه‌ها برای در هم شکستن نهضت و ازپای درآوردن ملت ایران به اوج خود رسید. کار این دسیسه‌ها بدانجا انجامید که نخست وزیر برخاسته از دامان نهضت ملی شدن نفت، "دکتر محمد مصدق" از مسند نخست وزیری به کتار زده شد. مجلس شورای ملی وقت رأی تمایل به نخست وزیری قوام السلطنه، چهره سرشناس سیاسی داد. شاه بدنبال این اقدام فرمان نخست وزیری را برای قوام السلطنه صادر نمود بنا بر این تمامی اقدامات بر اساس تشریفات ظاهری قانون اساسی مشروطیت برای برکنار زدن نخست وزیر منتخب نهضت، دکتر محمد مصدق، و تعیین نخست وزیر دیگر بجای او انجام شده بود اما شور و هیجان همچنان جامعه ملت را در بر داشت و مبارز ایران را در خود گرفته بود شور و التهابی که هرگز آرام نمی شد و کار بدانجا رسید که در لحظه‌ها و دقائق صندوق فرمان نخست وزیری به نام احمد قوام، فریاد: یامرگ یا مصدق، سرتاسر کوچه و بازار تهران، دانشگاه و کارخانه‌ها و سپس همه شهرها و آنگاه سرتاسر ایران را در خود گرفت. نهضت سرفراز پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست که همچنان در پیشاپیش صفوف رستاخیز ملی شدن نفت در حرکت بود در این هنگام نیز در قلب مبارزان جبهه پیروزی بخش ملی شدن نفت، نقش اساسی و رهنمون بخشی را به عهده داشت. هم بدین سبب از سوی حکومت کوتاه مدت "احمد قوام" مورد حملات پیکان تهاجم بر ضد مبارزان ملی شدن نفت قرار گرفت. در یورش وسیع که در شامگاه سی ام تیرماه به خیابان‌ها و مراکز عمومی شهر تهران انجام شد، چاپخانه "زندگی" که محل انتشار روزنامه "ندای پان ایرانیسم" که در جایگاه ارگان نهضت پان ایرانیسم قرار داشت مورد هجوم نیروهای نظامی دولت احمد قوام قرار گرفت. ساعتی چند بعد از این یورش، رهبری نهضت که در محل چاپخانه، برای آخرین سرکشی نسبت به چاپ روزنامه در آن جا حضور داشت دستگیر و بوسیله کامیون سربازان، به زندان زیر آگاهی شهربانی که از مخوف ترین زندان‌های وقت بود منتقل گردید. این حادثه، محل وقوع چاپخانه زندگی را که در میدان توپخانه (میدان سپه) وقت بود یکپارچه به مرکز اعتراض و شور و هیجان هزاران مردمی که در آنجا مستقر بودند مبدل ساخت. همزمان در خیابان‌های نادری، فردوسی و سپس در خیابان‌های شاه‌آباد و سرچشمه اعتراضات عمومی به قیامی همگانی تبدیل گردید. کار اعتراضات عمومی و قیام مردم به کلیه مناطق تهران کشانیده شد. فریاد پرخروش "یا مرگ یا مصدق" شهر تهران را به لرزه درآورده بود. کامیون‌های نظامی گروه‌ها گروه مردم را به اسارت می گرفتند و به بازداشتگاه‌ها که پس از چند ساعتی وضعیت اسارت‌گاه‌های عمومی پیدا کرده بود می بردند. هنگامی که رهبری نهضت در میان حلقه نظامیان به محوطه شهربانی و از آنجا به زندان زیر آگاهی اعزام شدند تمامی محوطه مزبور و زندان‌های منتهی به آن محوطه در میان فریاد پرخروش هزاران نفر که در آن زندان‌ها و محوطه وسیع

بازداشت و زندانی شده بودند زمین و زمان را به لرزه درآورد. در این مقطع از تاریخ نهضت ملی شدن نفت، هنوز توطئه‌های دشمنان نهضت برای ایجاد نفاق و فاصله میان رهبری سیاسی و رهبری روحانی نهضت توفیق انجام این خیانت را پیدا کرده بود بنا بر این رهبری روحانی نهضت آیت‌الله کاشانی اعلام نمود که شخصاً کفن بر تن خواهد کرد و پیشاپیش صفوف متظاهرین و قیام‌کنندگان، روز سی ام تیرماه به حرکت در خواهد آمد. صدور این اطلاعیه و پیرو آن صدور اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های دیگر، تهران را یکپارچه به شهر قیام تبدیل کرد. در آن شب بیداری و قیام، تهران خواب به چشم راه نداد از زندان‌ها گرفته تا خیابان‌ها و کوچه‌ها، از مراکز اجتماعات مرکز شهر گرفته تا محلات جنوبی و شمالی شهر، آری همه جا و همه جا فریاد برداشته می شد: «یا مرگ یا مصدق». از این هنگام به بعد، صدای نفیر گلوله‌ها دل تاریک شب را از هم می درید دیگر زندان‌ها، پادگان‌ها و حتی مراکزی که تبدیل به زندان موقت شده بود محلی برای زندانی نمودن مردم معترض و رزمندگان نهضت نداشت و برآستی شهر یکپارچه به میدان قیام و به زندان همگانی تبدیل شده بود. آن شب تهران بیدار و در قیام بود. با مداد سی ام تیرماه فرارسید، تانک‌ها نیز به حرکت آمدند، تیربارها به کار افتاد، در مراکز گوناگون شهر بویژه در مرکز تهران، اطراف میدان توپخانه، خیابان اکباتان که پس از قیام خیابان ملت نامیده شد، میدان بهارستان، چهارراه سرچشمه، خیابان مولوی، خیابان بهارستان، رگبار گلوله‌ها مردم را درو می کرد اما نهضت توفنده و یکپارچه به مقاومت برابرین توطئه بزرگ ادامه می داد از خون‌های مقاومتان، جویها ساخته شد. در یکی از نبردگاهها "هوشنگ رضیان" سرباز کوشنده حزب پان ایرانیست، پس از مقاومت شدید برابر مهاجمان در کنار دیگر مبارزان سی ام تیرماه به شهادت رسید. آفتاب سی ام تیرماه بر تهران ملتهب و خونین می تابید قیام کنندگان بسوی زندان‌ها حرکت نمودند، درهای زندان‌ها باز شد و مبارزان و مردم خشمگین از زندان‌ها بیرون آورده شدند. ساعتی بعد قیام سی ام تیرماه که نشانی از وحدت و قدرت نهضت ملی شدن نفت داشت به پیروزی رسید. احمد قوام از نخست وزیری عزل گردید مجدداً فرمان نخست وزیری از سوی شاه، به نام "دکتر محمد مصدق" صادر و ابلاغ شد. برآستی صادرکننده آن فرمان عزل و فرمان مجدد نخست وزیری دکتر مصدق، خون شهیدانی بود که بر سطح شهر تهران و دیگر مراکز مقاومت ریخته شد. فرمان نخست وزیری بود که اتحاد همه نیروهای مبارز نهضت ملی شدن نفت بر آن مهر تابید گذاشت. در آن مقطع از تاریخ همه نیروهای معارض و مخالف با رستاخیز ملی شدن نفت در یک سو قرار داشتند. توطئه‌ها وسیع و بابر خورداری از به اصطلاح مواضع قانونی و نیز برخوردار از قدرت یکپارچه نظامی بود اما مردم و صفوف گوناگون آن، هم‌آهنگ و هم‌رأی بودند در نتیجه قیام سی ام تیرماه مظهر این یگانگی و جوش همگانی بود پس پیروز شد و برجبین تاریخ به نام "قیام پیروزی سی ام تیرماه" با خون شهدای آن نگاهشته شد. یادش به خیر و راه آن قیام و رمز و راز آن همچنان رهنمون بخش مبارزات همگانی جامعه ایرانی باد. ■